

جریان استصحاب در شبهات مفهومی

رضا پورصدقی^۱

محمد رضا شبان^۲

چکیده

استصحاب پرکاربردترین دلیلی است که در فرض شک در تکلیف برای به دست آوردن احکام ظاهری بدان استناد می‌شود. در پاره‌ای شک‌ها، از جمله در شبهات مفهومی، با اینکه حالت سابق یقینی برای حکم وجود دارد، جریان استصحاب مناقشاتی دارد و برخی از فقها آن را نپذیرفته‌اند. از دیدگاه بسیاری از فقها اصل عملی استصحاب در شبهات مفهومی امکان جریان ندارد. نوشتار حاضر با واکاوی مسأله در سه قسم استصحاب مفهوم، استصحاب موضوع و استصحاب حکم، ادله موجود را ارزیابی کرده است که بررسی‌ها نشان می‌دهد جریان استصحاب مفهوم در شبهات مفهومی ممکن نیست. همچنین بسیاری از فقها استصحاب موضوع در شبهات مفهومی را از قبیل استصحاب فرد مردد دانسته و به همین دلیل در آن خدشه کرده‌اند؛ ولی بررسی ادله این دیدگاه نشان می‌دهد که قرار دادن استصحاب موضوع ذیل عنوان استصحاب فرد مردد، انگاره‌ای ناصواب است و استصحاب موضوع با مانعی مواجه نبوده و مکلف را عملاً از تحیر خارج می‌سازد. استصحاب در حکم نیز به دلیل اشکال تغییر موضوع، محل اختلاف است و بررسی ادله دو طرف نشان می‌دهد که استصحاب حکم در بیشتر موارد جاری است و مانع تغییر موضوع در برابر آن قرار ندارد.

واژگان کلیدی: استصحاب مفهوم، استصحاب موضوع، استصحاب حکم، شبهه مفهومی، فرد مردد.

۱. استاد سطوح عالی، سطح ۴، نویسنده مسئول، rezapoorsedghi@gmail.com
۲. طلبه سطح سوم مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، mohamadreza13shaban@gmail.com

مقدمه

شاید به جرئت بتوان گفت که از میان مسائل اصولی، بیشترین بحث و گفتگو درباره «استصحاب» صورت گرفته و حجم گسترده‌ای از دروس خارج اصول به آن اختصاص یافته است؛ ولی مراجعه به کتب اصولی و دروس خارج اصول نشان می‌دهد که بررسی مفصل و منضبطی درباره بحث «جریان استصحاب در شبهه مفهومی» انجام نشده است. شک‌هایی که در راه استنباط احکام شرعی برای فقیه به وجود می‌آید (شک در مقام استنباط)، علل مختلفی دارد که یکی از آنها «اجمال عنوان دلیل» است که از آن به «شبهه مفهومی» تعبیر می‌شود. شبهه مفهومی به ابهام در مراد متکلم می‌انجامد و سبب مجهول ماندن حکم شرعی می‌شود. برای نمونه در موارد مرگ مغزی صدق عنوان «حیات» با تردید همراه است و این به شک در امکان اهدای اعضای حیاتی شخص منجر می‌شود. حال سؤال اساسی این است که آیا در چنین مواردی که حالت سابق برای آن مفروض است، جریان استصحاب امکان دارد؟

جریان استصحاب در شبهات مفهومی به سه صورت امکان تصور دارد:

۱. جریان استصحاب در خود مفهوم در فرضی که حالت سابق یقینی دارد؛ مانند اینکه واژه‌ای دارای معنایی بوده و سپس در نقل آن به معنایی دیگر شک شده است که در این صورت می‌توان بقای معنای سابق را استصحاب کرد؛ ولی به دلیل وجود اصل عقلایی بر عدم نقل مفاهیم، نیازی به جریان استصحاب نیست (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۲۸) و به همین دلیل این فرض از بحث ما خارج است.

۲. جریان استصحاب در موضوع؛ مانند اینکه در صدق عنوان «زمین» بر خاک و گل تردیدی نیست؛ ولی پس از مقداری پخته شدن، در صدق «زمین» بر آنها شک حاصل می‌شود. حالت سابق موضوع این شائبه را ایجاد می‌کند که بتوان با استصحاب بقای موضوع، همچنان حالت سابق آن را استصحاب کرد. در صورت جریان استصحاب، صدق عنوان اثبات می‌شود.

۳. جریان استصحاب در خود حکم شرعی؛ مانند اینکه شارع بگوید: «**أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ**» (بقره، آیه ۱۸۷) و چون انتهای روز بین «پنهان شدن قرص خورشید» و «رفتن نور خورشید از آسمان» مردد است، بعد از پنهان شدن خورشید، در بقای وجوب روزه شک حاصل می‌شود. وجود حالت سابق یقینی در حکم شرعی (وجوب)، زمینه را برای جریان استصحاب فراهم کرده است؛ ولی باید دید آیا در این فرض مانعی از جریان استصحاب وجود دارد؟

مشهور به جاری نبودن استصحاب در شبهات مفهومیه قایل اند که از آن جمله می‌توان به شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۶۹۲)، محقق عراقی (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۱۵)، شهید صدر (صدر، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۲۵۱)، جزایری (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۸۹) و حکیم (حکیم، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۵۸) اشاره کرد.

ضرورت رفع تحیر و یافتن حکم مکلف در موارد مختلف فقهی و نبود تحقیق مفصل و جامع در این عرصه، پژوهش در این مسأله را ایجاب می‌کند. این نوشتار با شیوه تحلیلی - انتقادی و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای تهیه شده است.

مهم‌ترین دلیلی که برای رد استصحاب در شبهه مفهومیه بیان شده، جاری نبودن استصحاب در موارد فرد مردد است؛ زیرا برخی از صاحب‌نظران، استصحاب در شبهه مفهومیه را از مصادیق فرد مردد می‌دانند. بنابراین پاسخ به مسأله جریان استصحاب در شبهه مفهومیه، در گرو حل مسأله جریان استصحاب در فرد مردد است. از این رو در این تحقیق علاوه بر مفهوم‌شناسی «استصحاب» و «شبهه مفهومیه» باید به مباحث مربوط به چیستی «فرد مردد» و علل جاری نبودن استصحاب در آن نیز بپردازیم.

استصحاب

ادله‌ای را که در موضوع آنها شک اخذ شده است، اصول عملیه می‌نامند و در جایی کاربرد دارند که مکلف از راه ادله نقلی و اجتهادی به حکم شرعی دست نیافته و درباره حکم شرعی واقعی خود شک داشته باشد. در چنین مواردی مکلف باید به مقتضای حال خود از اصول عملیه مناسب بهره گیرد. بنابراین استصحاب نیز که شک در حکم و وجود

حالت سابق یقینی از جمله ارکان آن است، در شمار اصول عملیه قرار دارد. استصحاب به معنای حکم به بقای چیزی است که پیش‌تر به آن یقین داشته‌اند (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۹). برای نمونه اگر در زنده بودن کسی شک کنند که پیش‌تر به حیات او یقین داشته‌اند، بر اساس استصحاب به بقای حیات او حکم می‌کنند.

استصحاب سه رکن دارد:

۱. یقین سابق (بنابراین حالت سابق باید موجود باشد)؛
۲. شک لاحق (شکی که بعد از حالت یقین به وجود می‌آید)؛
۳. موضوع واحد در فرض یقین و شک.

«مستصحب» که در بحث استصحاب کاربرد فراوانی دارد، موضوعی است که در زمان گذشته به آن یقین داشته و اکنون درباره آن شک کرده‌اند. پس متعلق یقین و شک را «مستصحب» می‌نامند؛ زیرا با استصحاب به بقای آن حکم می‌شود. «مستصحب» یا حکم شرعی است، مانند طهارت و حرمت، یا موضوع خارجی است، مانند عدالت و حیات (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۸۴).

فرد مردد

فرض کنید زید و عمرو هر کدام سکه‌ای را نزد شخصی به امانت می‌گذارند، ولی یکی از آن دو سکه به سرقت می‌رود و مشخص نیست که سکه باقی‌مانده برای کدام یک است. در این فرض سکه مزبور بین دو عنوان «سکه زید» و «سکه عمرو» مردد است. بنابراین «فرد مردد» فردی است که احتمال می‌رود مصداق یکی از دو یا چند عنوان مشخص باشد و چنین تردیدی ناشی از شبهه در تطبیق عنوان بر مصداق به دلیل تردید در مصداق خارجی است. البته گاهی به هر یک از طرفین تردید نیز فرد مردد اطلاق می‌شود. بنابراین در مثال پیشین «سکه زید» و «سکه عمرو» هر یک به تنهایی فرد مردد است. پس طبق اصطلاح نخست، سکه‌ای که نزد امانتدار قرار دارد و در خارج محقق است، فرد مردد بین دو عنوان است؛ اما بر اساس اصطلاح دوم، «سکه زید» یا «سکه عمرو» که در عالم خارج ناشناخته است و فقط تصویری از آن در ذهن وجود دارد، فرد مردد است.

نمونه شرعی برای فرد مردد مانند اینکه مصداقی از حدث پدید آمده، ولی مشخص نیست که حدث اکبر است یا حدث اصغر. در اینجا پس از وضو در بقای حدث تردید می‌شود. در این مثال حدثی که در عالم تکوین رخ داده و می‌توان به آن اشاره ذهنی کرد، فرد مردد به اصطلاح اول است و هر یک از حدث اکبر و اصغر، فرد مردد به اصطلاح دوم است.

۱. ادله جاری نبودن استصحاب موضوعی در شبهه مفهومیه

جریان استصحاب در موضوع را در فرض شبهه مفهومیه با استناد به دو دلیل مردود دانسته یا در آن تردید کرده‌اند که در ادامه به بررسی این دو دلیل می‌پردازیم.

۱. جاری نبودن استصحاب در فرد مردد

«عدم جریان استصحاب در فرد مردد» مهم‌ترین دلیل مشهور برای رد استصحاب در موضوع حکمی است که مبتلابه شبهه مفهومیه است. از کسانی که چنین انگاره‌ای دارند می‌توان به شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۶۹۲)، محقق عراقی (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۱۵)، شهید صدر (صدر، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۲۵۱)، جزایری (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۸۹)، حکیم (حکیم، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۵۸)، محقق خویی (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۹) اشاره کرد. اینکه چگونه جریان استصحاب در شبهه مفهومیه ذیل جریان استصحاب در فرد مردد قرار می‌گیرد، نیازمند توضیح است که در قالب مثالی بدان می‌پردازیم.

هنگامی که شارع مقدس می‌فرماید: «روزه تا انتهای روز واجب است» و انتهای روز بین «پنهان شدن قرص خورشید» و «رفتن نور از آسمان» مردد است، شبهه در مفهوم دقیق «روز» به شک در مصداق مد نظر شارع می‌انجامد؛ بدین صورت که تردید می‌شود که آیا مصداق مد نظر شارع مقدس برای عنوان «روز»، فرد طولانی‌تر است که با رفتن نور از آسمان پایان می‌یابد، یا فرد کوتاه‌تر است؟ در نتیجه مصداق «روز»، که شارع مقدس روزه را در آن بر ما واجب کرده است، مشخص نیست که فرد کوتاه «روز» است یا فرد بلند آن. حال اگر با پنهان شدن قرص خورشید و پایان یافتن فرد کوتاه‌تر، بقای «روز» را

استصحاب کنیم، در واقع فردی از «روز» را که بین مصداق کوتاه «روز» و مصداق بلند آن مرد است، استصحاب کرده‌ایم که همان استصحاب فرد مرد «روز» خواهد بود. مثال دیگر اینکه برای عنوان «عادل» در برخی از موضوعات شرعی، مانند عدالت امام جماعت، دو احتمال وجود دارد: یکی تارک گناهان کبیره و دیگری تارک مطلق گناه. در این صورت کسی که پیش‌تر عدالت داشته و اکنون مرتکب گناه صغیره شده است، بقای عدالتش مشکوک است؛ زیرا نمی‌دانیم شارع چه مصداقی از عدالت را موضوع حکم خود قرار داده است. اگر احتمال اول مد نظر شارع مقدس باشد، قطعاً عدالت باقی است و اگر احتمال دوم باشد، قطعاً عدالت از بین رفته است. بنابراین استصحاب بقای عدالت این شخص، استصحاب بقای فرد مرد بین دو عنوان مقطوع‌الارتفاع و مقطوع‌البقاء عدالت است و با توجه به اینکه حکم بر فرد خارجی موضوع حمل شده نه جامع، استصحاب فرد مرد خواهد بود (حلی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴).

حال باید دید دلیل فقها برای جاری نبودن استصحاب در فرد مرد چیست؟ در ادامه به بررسی این ادله می‌پردازیم.

۱-۱. دلیل اول: یقین نداشتن به حدوث

در استصحاب فرد مرد، یک رکن استصحاب که یقین به حدوث باشد، وجود ندارد و استصحاب جاری نیست؛ زیرا فرد مرد نمی‌تواند متعلق علم واقع شود و گفته شود حدوث فرد مرد یقینی است؛ چون فرد مرد واقعیت خارجی ندارد؛ چراکه «فرد» عین تشخیص است، در حالی که «مرد بودن» یعنی عدم تشخیص. بنابراین فرد مرد عقلاً محال است و چیزی هم که واقعیت ندارد، علم به آن ممکن نیست. محقق اصفهانی در *نهایة الدراية* به همین دلیل استناد کرده است (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۱۶۴) و از کلمات مرحوم آخوند استفاده می‌شود که ایشان نیز به همین دلیل استصحاب در فرد مرد را رد می‌کند (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۴۰۶).

دو اشکال به دلیل اول وارد شده است:

الف) محقق حائری در نقد این دلیل می‌گوید: هرچند وجود خارجی فرد مردد محال است، وجود اعتباری آن ممکن است و فرد مردد با وجود اعتباری تحقق دارد؛ مانند کسر مُشاع در اموال که در خارج تحقق ندارد، ولی در عالم اعتبار عقلایی وجود دارد. فرد مردد نیز از همین لحاظ وجود دارد و می‌تواند متعلق یقین واقع شود (حائری یزدی، ۱۴۱۸، ص ۲۳۳).

در پاسخ باید گفت درست است که تحقق برخی از اعتباریات در عالم تکوین و خارج ممکن نیست، ولی این بدان معنا نیست که بتوان هر شیء ممتنع در عالم تکوین را بدون استناد و دلیلی معتبر در عالم اعتبار ممکن دانست؛ بلکه باید دید علت امتناع آن چیست و آیا آن علت در عالم اعتبار نیز وجود دارد؟ اگر آن علت در عالم اعتبار نیز موجود باشد، امتناع وجود (معلول) نیز در عالم اعتبار محقق خواهد بود. با توجه به اینکه امتناع وجود فرد مردد در واقع به اجماع نقیضین برمی‌گردد، تحقق آن در عالم اعتبار نیز ناممکن است. افزون بر اینکه ما بالوجدان می‌یابیم که فرد مردد در عالم اعتبار وجود ندارد. برای نمونه «حدث اکبر» در مثال پیشین، فرد مردد است؛ ولی آیا می‌توان گفت «حدث اکبر» در عالم خارج به نحو مردد محقق است؟ در واقع منظور از واژه «مردد» در اصطلاح «فرد مردد»، مردد بین وجود و عدم است. حال چگونه ممکن است وجود چیزی که بین وجود و عدم مردد است، در عالم عین یا عالم اعتبار فرض شود؟ این مطلب نه به لحاظ تصور و ماهیت ممکن است، نه به لحاظ وجود.

ب) نقد دیگری را برخی از فقها مطرح کرده‌اند که بر اساس آن برخی مصادیق استصحاب موضوع از تحت عنوان «استصحاب فرد مردد» خارج می‌شود. شیخ حسین حلّی این نقد را به تفصیل بیان کرده و استصحاب موضوع در شبهه مفهومی را در مواردی که تردید بین اقل و اکثر است، پذیرفته است؛ با این بیان که قطعاً «اکثر» قبلاً ثابت بوده است و قابلیت استصحاب دارد؛ مانند «عدالت» که تردید در آن بین حالت حداقلی و حداکثری است و در حالت یقین سابق، حالت حداکثری تحقق داشته و استصحاب آن در واقع استصحاب فرد اکثر است؛ نه استصحاب فرد مردد. ولی در مواردی که تردید

بین دو عنوان متباین است، استصحاب فرد مردد خواهد بود (حلی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵). بنابراین استصحاب بقای روز پس از غروب خورشید، استصحاب فرد مردد خواهد بود؛ زیرا در حالت یقینی، مصادق هیچ یک از دو عنوان مشخص نیست. این بیان، اشکال فرد مردد را در برخی مصادیق آن (تردید بین اقل و اکثر) پاسخ می‌دهد؛ ولی اشکال در «فرد مردد متباین» باقی است.

۱-۲. دلیل دوم: عدم شک در بقا

«شک در بقا» یکی از ارکان استصحاب است و از آنجا که «فرد مردد» مصادقی است که در واقع یا قطعاً مرتفع شده یا قطعاً باقی است، درباره هیچ یک از دو احتمال موجود، شک در بقا متصور نیست (ر.ک: نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۲۶؛ صدر، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۲۴۵؛ اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۱۱۴؛ حکیم، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۵۸؛ خمینی، ۱۳۸۱، ص ۸۶؛ مظفر، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۲۹۶). بنابراین در مثال حدث، اگر موضوع اثر شرعی حدث اکبر باشد، در این صورت قطعاً پس از وضو باقی است و اگر موضوع اثر شرعی حدث اصغر باشد، پس از وضو قطعاً مرتفع شده است. در نتیجه نسبت به بقا یا عدم بقای اثر شرعی، شکی متصور نیست.

در مقام نقد دلیل دوم ممکن است گفته شود فارغ از اشکال اول، اشکال دوم به تنهایی مانعی از شک در بقای فرد مردد نیست. ولی این اشکال وارد نیست؛ زیرا مشهود است که برای هر یک از دو طرف (بنا بر فرض تحقق) که موضوع اثر شرعی است حالت یقینی وجود دارد در نتیجه نسبت به هیچ یک شکی وجود ندارد بلکه جامع مشکوک است ولی طبق فرض، عنوان جامع، موضوع اثر شرعی نیست و از بحث ما خارج است.

۱-۳. نقد دیدگاه جاری نبودن استصحاب در فرد مردد

از نگاه برخی فقها تحقق فرد مردد در خارج نه تنها با امتناع عقلی مواجه نیست، بلکه اساساً در عالم خارج محقق است و می‌توان آن را استصحاب کرد. این تفاوت دیدگاه بسیار حیرت‌آور است؛ چه اینکه در یک دیدگاه فرد مردد وجوداً و ماهیتاً امتناع عقلی دارد و دیدگاه دیگر مدعی وقوع آن در خارج است. اما با توجه به تمایز دو اصطلاح فرد

مردد که پیش‌تر بیان شد، این اختلاف دیدگاه قابل توجیه است. البته فقها به این اختلاف اصطلاح توجه نداشته و چه بسا از آن غفلت کرده‌اند؛ ولی این به معنای وقوع مغالطه برای بزرگان فقهی نیست؛ زیرا فقها سراغ اصل معنا می‌روند و خود را در قالب اصطلاح محصور نمی‌کنند؛ از این رو به سادگی در دام مغالطه در مفاهیم نمی‌افتند.

ابتدا کلماتی را از فقهایی ذکر می‌کنیم که در دیدگاه آنان فرد مردد در خارج محقق است. سپس توضیح و تحلیل خود را ارائه می‌دهیم.

از نگاه سید تقی قمی اصل ادعای عدم تحقق فرد مردد برای خدشه در استصحاب موضوع در شبهات مفهومیه قابل پذیرش نیست؛ زیرا طبق فرض، مصداق «روز» در مثال یادشده در خارج محقق است. البته مکلف در اینکه شارع چه مفهومی از «روز» را موضوع حکم خود قرار داده است، تردید دارد؛ ولی چنین تردیدی به عدم تحقق فرد در خارج نمی‌انجامد و از آنجا که مستصحب در استصحاب موضوع، فردی است که در خارج محقق است، مانعی در برابر جریان استصحاب وجود ندارد (ر.ک: قمی، ۱۴۱۹، ص ۲۴). خواننده با اندک تأملی تفاوت دیدگاه محقق قمی و محقق اصفهانی را متوجه می‌شود. محقق قمی با نگاهی عرفی و نه عقلی محض وجداناً می‌یابد که فرد مردد در خارج محقق است. طبق این دیدگاه، تردید مربوط به ناظر است و قید حقیقی شیء خارجی نیست؛ بر خلاف محقق اصفهانی که تردید را قید حقیقی شیء می‌داند که همین منشأ امتناع عقلی ماهیت و وجود خارجی آن است.

منشأ اختلاف در اینجا است که طبق دیدگاه محقق اصفهانی استصحاب موضوع برای تحقق عنوان شکل می‌گیرد؛ بنابراین در استصحاب موضوع در شبهه مفهومیه «روز»، باید مشخصاً مصداق یکی از دو احتمال موجود در عنوان «روز» استصحاب گردد و مستصحب نمی‌تواند مصداق جامع عنوان باشد. بنابراین در حالت یقین باید مستصحب را مصداق یکی از دو عنوان محتمل فرض کنیم تا استصحاب آن ممکن باشد. در غیر این صورت، استصحاب به نبود ارکان دچار خواهد بود؛ زیرا نه یقین سابقی تصور می‌شود و نه شک لاحق. ولی طبق دیدگاه سید قمی برای تطبیق حکم نیازی نیست مصداق یکی از دو

عنوان مردد به صورت تفصیلی مشخص گردد؛ بلکه مصداق خارجی را که پیش‌تر یقینی بود و عنوان «روز» طبق هر دو احتمال بر آن صدق می‌کرد، برای تطبیق حکم می‌توان استصحاب کرد.

استصحاب موضوع در شبهه مفهومی در دیدگاه محقق اصفهانی استصحاب فرد مردد به اصطلاح دوم و در دیدگاه سید قمی استصحاب فرد مردد به اصطلاح اول است. از آنجا که غرض از جریان استصحاب موضوع، تحقق موضوع حکم شرعی است نه صدق عنوان،^۱ بنابراین استصحاب موضوع در شبهه مفهومی در واقع استصحاب مصداق خارجی است که در این صورت استصحاب موضوع با مانعی به نام استصحاب فرد مردد مواجه نیست. به بیان دیگر اگرچه استصحاب مصداق «روز» در مثال پیشین برای اثبات مراد شارع از «روز» کافی نیست و با مانع استصحاب فرد مردد روبه‌روست، برای اثبات موضوع حکم شرعی با مانعی مواجه نیست؛ زیرا چنین استصحابی در صدد اثبات فرد خاصی از دو فرد نیست تا مصداق اثبات فرد مردد به اصطلاح دوم گردد؛ بلکه فقط در مقام احراز بقای فرد محقق در خارج است که فرد مردد به اصطلاح اول است و مانعی از جریان استصحاب در آن نیست. نتیجه اینکه در جایی که صدق عنوان دچار ابهام است، با استصحاب اگرچه نمی‌توان صدق عنوان را در مورد مشکوک نتیجه گرفت، بقای مصداق خارجی را می‌توان به کرسی اثبات نشانند.

۲. مشکوک نبودن خارج در شبهات مفهومی

اشکال دیگری که به استصحاب موضوعی در شبهه مفهومی وارد شده این است که در این گونه شبهات از نظر عرفی متعلق شک در خارج نیست، در حالی که دلیل استصحاب به فرض شک در خارج و شک در بقای متیقن خارجی منصرف است؛ در شبهه مفهومی عنوان «روز»، شک به امری در خارج تعلق نگرفته؛ بلکه شک در موضوع له و معنای لفظ «روز» است که آیا معنای موسع مد نظر است یا معنای مضیق. مانند اینکه نمی‌دانیم لفظ

۱. استصحاب فقط برای حکم شرعی یا موضوع آن قابلیت جریان دارد و برای غیر آن جعل نشده است.

«دیز» برای «ماء» وضع شده است یا برای «مایع»؛ از طرفی آبی در دست داریم که به آن نمک بسیار افزوده‌اند و عرف دیگر به آن «آب» نمی‌گویند، بلکه آن را «آب نمک» می‌نامند؛ ولی پیش‌تر به آن «دیز» گفته می‌شده است؛ زیرا هم «مایع» بوده است و هم «ماء». حال شک می‌کنیم که عنوان «دیز» شامل این آب هم می‌شود. در اینجا شک در خارج و در بقای متیقن سابق نیست؛ بلکه فقط شک در سعه و ضیق مفهوم «دیز» است (درس خارج اصول استاد محمدتقی شهیدی ۹۵/۰۹/۲۱).

۲-۱. نقد استدلال دوم

این نقد به نوعی خروج از محل بحث است؛ زیرا گفتگو درباره جریان استصحاب در موضوع است و این اشکال درباره استصحاب خود مفهوم قابل طرح است. توضیح آنکه شک در آغاز به مفهوم تعلق گرفته، ولی به شک در بقای موضوع حکم شرعی در خارج انجامیده و مکلف بعد از پنهان شدن قرص خورشید در تکلیف خود مردد است. بنابراین جریان استصحاب در موضوع محقق در خارج که حالت سابق استصحاب را بنیان می‌نهد، استصحاب امری ذهنی نیست و منشأ اصلی تردید که شبهه در مفهوم است، موجب نمی‌شود که وضعیت مستصحب تغییر کند.

جریان استصحاب در شبهه مفهومیه حکمی

اجرای استصحاب حکمی در شبهات مفهومیه محل اختلاف است و بزرگانی مانند شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۶۹۲) محقق خوئی (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۷۹)، شهید صدر (صدر، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۲۵۱) به جاری نشدن استصحاب در شبهات حکمی معتقدند و در مقابل، بزرگانی مانند امام خمینی به جریان استصحاب در این شبهات قایل‌اند (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۲۴).

محقق خوئی بر آن است که استصحاب حکم در شبهات مفهومیه جاری نمی‌شود. طبق دیدگاه ایشان بعد از پنهان شدن خورشید در مثال پیشین، استصحاب «وجوب امساک» راه ندارد؛ زیرا جریان استصحاب منوط به بقای موضوع است و در شبهات مفهومیه، موضوع محرز نیست؛ زیرا در مثال یادشده، «روز» موضوع «وجوب امساک»

است که بعد از استتار قرص خورشید، بقای آن مشکوک است. بنابراین همان طور که استصحاب «روز» جاری نیست، استصحاب «وجوب امساک» نیز جاری نیست؛ چون استصحاب وجوب امساک، فرع احراز «روز» است و شک در تحقق موضوع (روز) از جریان استصحاب حکم جلوگیری می‌کند.

در مقابل محقق خوبی، عده‌ای از اصولیان استصحاب یادشده را جاری می‌دانند؛ از جمله امام خمینی که می‌نویسد: بقای موضوع برای جریان استصحاب عرفی است؛ در نتیجه منظور از موضوع، موضوع اخذشده در دلیل نیست؛ بلکه ملاک در جریان استصحاب این است که اگر حکم در زمان شک همان حکم در زمان یقین سابق باشد، عرف آن را بقای حکم سابق بداند، نه حکم جدید و این برای استصحاب کافی است؛ حتی اگر موضوع تغییر کرده باشد (ر.ک: خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۲۴). برای نمونه وقتی شارع مقدس می‌گوید: «امسکوا فی النهار» با پنهان شدن قرص خورشید، بقای موضوع دچار مشکل نمی‌شود؛ چون اگر وجوب امساک بعد از استتار هنوز باقی باشد، عرف آن را همان وجوب امساک پیشین می‌داند، نه وجوب امساک جدید. توضیح بیشتر اینکه آنچه در روایات استصحاب بیان شده، جایز نبودن نقض یقین سابق است (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۵) و نقض یقین در جایی است که به نظر عرف موضوع باقی باشد. بنابراین بقای موضوع امری تعبدی نیست؛ بلکه صدق عنوان «بقاء» موجب شکل‌گیری چنین شرطی برای استصحاب است و این امر نیز چنان که گفته شد، منوط به صدق عنوان بقا نزد عرف است. فرض کنید آب خون‌آلودی وجود دارد که سرخی آن خود به خود از بین می‌رود. چنین فرضی از مصادیق شک در تحقق مفهوم تغیر و در نتیجه شبهه مفهومی است. طبق دیدگاه محقق خوبی، استصحاب بقای تغیر که استصحاب موضوعی در شبهه مفهومی است، جاری نیست و استصحاب بقای نجاست نیز که اصل حکمی است، قابلیت جریان ندارد؛ زیرا بقای موضوع (بقای تغیر آب در این مثال) مشکوک است (خویی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۶۵).

به نظر می‌رسد که بهتر بود محقق خوبی در محل بحث به تفصیل قایل می‌شد؛ بدین صورت که اگر عنوانی که مشتبه است و تغییر قیدی که شبهه را به وجود آورده از حالات عنوان باشد به طوری که وجود یا عدم آن حالت در صدق عنوان بر آن موضوع تأثیری ندارد، در این صورت استصحاب جاری است؛ ولی اگر آن قید از عناوین مقوم موضوع باشد به گونه‌ای که اگر آن قید نباشد عرفاً بقای موضوع ممکن نیست، استصحاب جاری نخواهد بود؛ همچون شبهه مفهومی در استحاله؛ مانند اینکه نجس‌العینی از بین برود به طوری که دیگر عنوان نجس‌العین بر آن صادق نباشد؛ ولی معلوم نباشد این تبدل از قبیل استحاله بوده یا غیر آن. در اینجا شک در استحاله در واقع شک در عنوان مقوم است؛ زیرا اگر نجس‌العین با استحاله از بین رفته باشد، دیگر صحیح نیست که بگوییم: «هذا کان نجساً»؛ ولی اگر این تبدل به واسطه امری غیر از استحاله باشد، صحیح است که از لحاظ عرفی گفته شود: «هذا کان نجساً». پس در این مثال شک به عنوان مقوم تعلق گرفته و استصحاب بقای نجاست امکان جریان ندارد. به نظر می‌رسد در بیشتر موارد، سخن امام خمینی قابل تطبیق است و استصحاب در حکم جاری است.

استصحاب عدمی در شبهات مفهومی

ممکن است به ذهن بیاید که در شبهات مفهومی با جریان عدم تحقق عنوان ضد بتوان تحقق عنوان را اثبات کرد. برای نمونه در فرض شک در عنوان «روز» با اثبات عدم دخول «شب» بتوان موضوع حکم شرعی را اثبات کرد. این استصحاب اگرچه در ظاهر امکان جریان دارد، از باب اینکه منشأ اثر شرعی نیست قابلیت جریان ندارد؛ زیرا موضوع صلات و صوم، «نهار» است، نه «عدم لیل» و اثبات «عدم تحقق شب» عنوان شرعی اثبات موضوع حکم شرعی نیست و اثبات بقای «روز» به کمک آن نیز اصل مثبت است (صالحی مازندرانی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۲۳).

نتیجه

استصحاب در شبهه مفهومیه به سه حالت مفروض است: استصحاب مفهوم، استصحاب موضوع و استصحاب حکم. استصحاب در خود مفهوم در فرض شک در نقل، به دلیل وجود اصل عقلایی عدم نقل، اثر ندارد و در نتیجه جاری نیست؛ ولی در فرض وجود شبهه در همه اعصار، به دلیل نبود یقین سابق، استصحاب مخدوش خواهد بود.

هرچند استصحاب موضوع در شبهه مفهومیه را از مصادیق استصحاب فرد مردد دانسته‌اند، به نظر می‌رسد این انگاره به دلیل پدید آمدن مغالطه در اصطلاح فرد مردد، نادرست است و مانعی از جریان چنین استصحابی وجود ندارد. جریان استصحاب در موضوع نمی‌تواند شک در مفهوم را برطرف کند؛ ولی لازم نیست برای تعیین تکلیف بقای حکم حتماً شبهه صدقیه برطرف گردد و همین که بقای مصداق محرز گردد، برای بقای حکم کافی است. به بیان دیگر در مثال شبهه صدق «روز» بعد از پنهان شدن خورشید لازم نیست حتماً صدق عنوان «روز» را اثبات کنیم؛ بلکه همین که بقای مصداق خارجی «روز» را اثبات کنیم برای تعیین تکلیف حکم کافی است.

استصحاب حکم در فرض شبهه مفهومیه جاری است؛ زیرا تنها مانعی که از اجرای استصحاب محتمل به نظر می‌رسد، تبدل موضوع است؛ ولی از آنجا که بقای موضوع در استصحاب عرفی است نه عقلی، عرف در شبهات مفهومیه در بیشتر موارد به بقای موضوع حکم می‌کند و در نتیجه مانعی از اجرای استصحاب حکم وجود ندارد.

منابع

۱. اصفہانی، محمدحسین (۱۴۲۹ق). *نہایۃ الدراریۃ فی شرح الکفاۃ*. قم: سیدالشہداء علیہ السلام.
۲. انصاری، مرتضیٰ بن محمدامین (۱۴۲۸ق). *فرائد الأصول*. چاپ نهم. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۳. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *کفاۃ الأصول*. چاپ دوم. قم: مؤسسۃ آل البیت علیہم السلام.
۴. جزایری، محمدجعفر (۱۴۱۵ق). *منتہی الدراریۃ فی توضیح الکفاۃ*. چاپ اول. قم: مؤسسۃ دار الکتاب.
۵. حائری یزدی، عبدالکریم (۱۴۱۸ق). *درر الفوائد*. چاپ ششم. قم: مؤسسۃ النشر الاسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعۃ*. چاپ اول. قم: مؤسسۃ آل البیت علیہم السلام.
۷. حکیم، محسن (۱۴۰۸ق). *حقائق الأصول*. چاپ پنجم. قم: کتابفروشی بصیرتی.
۸. حلّی، حسین (۱۳۷۹ق). *دلیل العروۃ الوثقی*. نجف اشرف: مطبعۃ النجف.
۹. خمینی، سید روح اللہ موسوی (۱۳۸۱). *الاستصحاب*. چاپ اول. تہران: مؤسسۃ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. خمینی، سید روح اللہ موسوی (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. چاپ اول. تہران: مؤسسۃ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۹ق). *دراسات فی علم الأصول*. چاپ دوم. قم: مؤسسۃ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت علیہم السلام.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *محاضرات فی أصول الفقہ*. چاپ اول. قم: مؤسسۃ احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۳. خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۸ق). *التنقیح فی شرح العروۃ الوثقی*. چاپ اول. قم: تحت اشراف آقای لطفی.

- ۱۴.۱۳. صالحی مازندارنی، اسماعیل (۱۴۲۴ق). *مفتاح الأصول*. چاپ اول. قم: صالحان.
- ۱۵.۱۴. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الأصول*. چاپ سوم. قم: مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت علیہم السلام.
- ۱۶.۱۵. طباطبائی حکیم، محمدسعید (۱۴۱۴ق). *المحکم فی أصول الفقہ*. چاپ اول. قم: مؤسسہ المنار.
- ۱۷.۱۶. عراقی، ضیاءالدین، (۱۴۱۷ق). *نہایۃ الأفكار*. چاپ سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۸.۱۷. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۱). *اصول فقہ شیعہ*. چاپ اول. قم: مرکز فقہی ائمہ اطہار علیہم السلام.
- ۱۹.۱۸. قمی، سید تقی طباطبائی (۱۴۱۹ق). *الغایۃ القصوی فی التعلیق علی العروۃ الوثقی - کتاب الخمس*. قم: انتشارات محلاتی.
- ۲۰.۱۹. قمی، سید تقی طباطبائی (۱۴۲۶ق). *مبانی منہاج الصالحین*. چاپ اول. قم: منشورات قلم الشرق.
- ۲۱.۲۰. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵). *أصول الفقہ*. چاپ پنجم. قم: اسماعیلیان.
- ۲۲.۲۱. مظفر، محمدرضا (۱۳۹۹). *دروس فی علم المنطق*. چاپ سوم. قم: نشر ہاجر.
- ۲۳.۲۲. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶). *فوائد الأصول*. چاپ اول. قم: جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
- ۲۴.۲۳. یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ق). *حاشیۃ المکاسب*. چاپ دوم. قم: مؤسسہ اسماعیلیان.